

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرامی: متأسفانه در چند روز گذشته و در آستانه سالگرد ۹ دی شاهد تجمعات اعتراضی مردم شهرهای مختلف در اعتراض به وضعیت نامطلوب اقتصادی کشور و همچنین فسادهای موجود در دستگاه‌ها هستیم. این مسئله موجب نگرانی جناح مومن و انقلابی کشور شده و هرکدام به نوعی دارند با قضیه برخورد می‌کنند و گاهی انگشت اتهام را به سمت هم می‌گیرند. عده‌ای دولت را محکوم می‌کنند و عده‌ای می‌گویند مردم استحاله شده و غرب‌گرا و فاصله‌گرفته از دین شده‌اند. در برخورد با این مسئله نیز صدا و سیما (ظاهراً آن‌طور که شنیده‌ام) که مثل همیشه سانسور می‌کند و سخنان معاون اول را پخش می‌کند و لج مردم را بیشتر در می‌آورد. یک سری سایت‌های حزب الهی هم که محکوم می‌کنند. در این میان عده‌ای هم می‌گویند باید با مردم همدل و به میان آنها رفت و نگذاشت جو به دست ضد انقلاب بیافتد و ... به نظر شما برخورد دلسوزان انقلاب با این نوع قضایا باید چگونه باشد؟ معلوم است که این نوع اعتراضات خودجوش و از روی درد توسط مردم دارد برگزار می‌شود اما از طرفی جریان‌های ضد انقلاب به سرعت و مهارت بر این موج‌ها سوار می‌شوند. تحلیل ابعاد مختلف این مسئله برایم کمی پیچیده شده است. مسئله دیگری که وجود دارد این است که در برخی از این تجمعات علیه رئیس قوه قضائیه شعار داده شده است و این آشکار می‌شود که رفتار و عملکرد آقای احمدی‌نژاد در این قضیه بسیار موثر بوده است. ایشان و اطرافیانشان بعد از سخنرانی ۶ دی ماه رهبری سعی کرده‌اند از کنار آن به آرامی عبور کنند، اصل صورت مسئله را که حداقل بخشی از سخنان رهبری متوجه ایشان بود با انکار آن پاک کنند، عین اینکه غیرمستقیم اشاره کنند رهبری صحبتی کرده که بی‌بی‌سی دارد از آن سوء استفاده می‌کند؛ و در عین حال فردای آن روز به بوشهر می‌رود و سخنرانی می‌کند و همان مسیر را ادامه می‌دهد. به نظر شما این عملکرد آقای احمدی‌نژاد و اطرافیانشان تقابل با رهبری و تلاش برای عبور از ایشان نیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در این‌که با مردمی که به جهت سوء مدیریت و برنامه‌های غلط به مشکل اقتصادی افتاده‌اند؛ همراهی کرد، بحثی نیست. به‌خصوص که دشمنان نظام می‌خواهند از چنین مطالباتی به نفع خود استفاده کنند ۲- به نظر بنده آقای احمدی‌نژاد دست به کارهایی زدند که دیگر هیچ جایی در آینده‌ی انقلاب ندارند. در حالی‌که می‌توانستند به عنوان یک سرمایه برای انقلاب بمانند.

آقای مهدی محمدی تحلیلی در این مورد داشته‌اند که برایتان می‌فرستم. موفق باشید

اصولي هست که محمود احمدي نژاد تا بدانها پاي بند بود هم به مردم خدمت کرد و هم به انقلاب. این اصول مستقل از احمدي نژاد وجود داشت و همیشه خواهد داشت. امام به ما آموخته شاخص آن هم ولي فقيه است نه خود ما و نه هیچ کس دیگر. در فتنه ۸۸ اهل بغي عليه آن اصول شوریدند نه عليه شخص احمدي نژاد و انقلاب با همه وجود پاي احمدي نژاد ایستاد. باید هم مي ایستاد. صدبار دیگر همان وضع تکرار شود همان کار را باید کرد. ديري نپایید که احمدي نژاد تصور کرد خود بخشي از اصول و بلکه عين اصول است. اینکه چرا و چگونه چنین شد خود داستاني است. انحراف از اینجا آغاز شد. او از خودش و از اصولي منحرف شد که همه قدر و قیمتش به سبب پاي بندي به آنها بود. نظام جمهوري اسلامي تا توانست صبر پیشه کرد شاید او بیغوله را از شاهراه تشخیص بدهد. اما نشد. باز هم بماند که چرا. در تمام این مدت که نظام صبوري مي کرد، او تلاش کرد پروژه انقلاب منهاي اصول را پیش ببرد. نتیجه نوعي اصلاح طلبي و چپ روي درجه سه بود که البته با تهوري بي سابقه بيان مي شد. حالا مرزها روشن شده. راه بازگشت البته بسته نیست اما راه فعلي جز اینکه او را به خيل عظيم ایستادگان شکست خورده در مقابل انقلاب ملحق کند، عاقبتي ندارد. انقلابيون سربلندند که چه در ۸۸ و چه امروز پاي اصول انقلاب به روایت رهبري ایستاده اند. فتنه گران حالا در بدر به دنبال راهي براي بازگشت مي گردند. عاقبت دیگران هم بهتر از این نخواهد بود.

اعتراض به مشکلات اقتصادي حق مردم است. اگر مرز اعتراض با آشوب روشن باشد، باید در برابر آن خاضع بود. اگر معترض در چارچوب جمهوري اسلامي فریاد مي زند که براي جوانم شغل مي خواهم یا گله دارد که مختصر پس انداز زندگي اش را در فلان موسسه اعتباري بالا کشیده اند، باید سخنش را شنید. به جاي برخورد با او، باید با مسئولی برخورد کرد که کار را به اینجا کشانده است. حتي اگر از منظر صرفا امنيتي نگاه کنیم، امروز باید کنار مردم ایستاد. دشمن زماني قادر به سوء استفاده خواهد بود که میان مردم و نظام شکافي ببیند و به عمیق تر شدن آن طمع کند. «آنها که امکانات کشور دستشان است» باید یاد بگیرند اگر نمي توانند از درد مردم بکاهند لاقل با مردم همدردی کنند. وقتي چنین شد، حنای شیادان و مدعیان هم دیگر رنگي نخواهد داشت.